

پشت سرتان خبری نیست

حسن بهگر

این روزها برخی فیلشان یاد هندوستان کرده و دم از شکوه و جلال شاهان و اعتلای ایران می زنند و طوری وانمود می کنند که عظمت و سربلندی کشور مدیون شاهانش بوده و به این سبب به جمهوری بد می گویند و آن را برای ایران کارساز نمی دانند.



تقریباً همه می دانند کلمه «جمهوری» ریشه^۱ لاتین دارد و این سیستم حکومتی در قرن ششم قبل از میلاد مسیح به دنبال اخراج پادشاهان اولیه ی روم از این شهر پدید آمده است. پس از آن در اواخر قرون وسطا در کشورهای اروپایی ، جمهوری متداول شد و در دوران جدید لیبرالیسم و جمهوریخواهی علیه استبداد و سلطنت دست به دست هم دادند و استبداد دینی و پادشاهی را برانداختند. اما جمهوریخواهی به معنای گزینه ی جدی سیاسی در کشورما سابقه ای کمتر از 100 سال دارد (ارقام بزرگتری که به شما عرضه می کنند، جنبه ی لاف زنی دارد). اولین بار رضاخان با الگوبرداری از آتاتورک، ظاهراً سودای ریاست جمهوری داشت که ملایان مانع از استقرار آن شدند. از نظر ملایان سلطنت و دین هر دو منشاء خدایی داشت ولی جمهوری برای ملایان زنگ خطری بود زیرا بوی رفتار به سبک آتاتورک از آن می آمد که برای آخوندهایی مانند مدرس و کاشانی قابل تحمل نبود، پس آنها از پادشاهی رضاخان پشتیبانی کردند.

ملایان که در انقلاب 57 علیه سلطنت محمد رضا برخاستند با افزودن کلمه ی اسلامی در حقیقت جمهوریت را پایمال کردند و پس از گرفتن آرای مردم برای جمهوری اسلامی (یعنی وقتی که دیگرخشان از پل گذشته بود) مدعی شدند که خداوند ولی فقیه را انتخاب کرده است و حکومت سلطنتی را در لباس دین ادامه دادند و با حربه ی دین تیشه بر ریشه ی ما و هویت ملی و تاریخ ما زدند و بدین ترتیب خاطره ای تلخ از جمهوریت در ذهن مردم بجا گذاشتند. برخی از گروه های قبیله ای نیز با افتادن به دامن بیگانگان و جدایی خواهی با نام جمهوری به مردم تصویری از هرج و مرج و ملوک الطوائفی و حکومت ایلی ارائه دادند.

در حالیکه حکومت جمهوری وابسته به مردم است چون مردم به تشخیص خود اشخاص مورد نظر خویش را که صاحب صلاحیت می دانند برای سپردن قدرت انتخاب کرده اند. در جمهوری قاعداً مردم با عقل و منطق خود انتخاب می کنند و احساس مسئولیت می کنند و از انتخاب شونده‌گان پاسخ می خواهند و حقانیت حکومت توسط مردم تأیید می شود.

البته جمهوری هایی که تبدیل به حکومت استبدادی شده است کم نبوده ولی بخاطر داشته باشیم که اگر به سلطنت تن دادیم دیگر شاه را هرگز نمی توانیم خلع کنیم مگر به ضرب انقلاب. چنان که در سال 57 نیز فقط انقلاب چاره گر یک تازی شاه شد. کسانی که به سنت شاهنشاهی 2500 ساله ایران می نازند و دل بدان می بندند باید به یاد بیاورند که شاهان هنگامی که بر اریکه قدرت هستند بیشتر بر ظلم و زورگویی تمایل دارند چنانکه شاهان ما پس از مشروطیت بجز احمدشاه تن به مشروطیت ندادند. رضاشاه و محمدرضا شاه توهم برگزیدگی الهی داشتند و به همین سبب از دعاگویی روحانیان هم بهره می بردند.

از همه ی داستان های مربوط به گذشته که بگذریم، امروز مدعی سلطنت فقط رضاپهلوی است. او هم که هنوز به قدرت نرسیده چوب حراج بر کشور زده است. با هواداری از او نه اعتلای ایران بلکه تجزیه و تکه پاره شدن کشور را باید انتظار کشید.

□ برخی به جلال و جبروت ارتش شاهنشاهی می نازند و فراموش می کنند که آن لباس های درخشان و مدال ها و ستاره های براق، در جنگ دوم جهانی چه افتضاحی بالا آورد و در بیست و هشت مرداد ارتش چه رفتاری داشت و بالاخره در انقلاب 57 ارتش شاهنشاهی چگونه به اشاره ی یک ژنرال آمریکایی تسلیم خمینی شد. ارتشی که وابسته به بیگانه باشد از این بهتر نمی شود. ما در طی تاریخ هیچگاه چنین ارتش ذیلی نداشتیم. ارتش ایران در زمان صفویه و نادرشاه و حتی قاجاریه رشادت های بسیاری از خود نشان داده است. آنچه از کارش انداخت، عقب ماندن از ترقی های دنیا بود و مدرن نشدن، وگرنه رشادت ، غیرت و همیت کم نداشت.

عدالتخواهی و آزادی به زرق و برق کاری ندارد. نوستالژی برای سنت دیرینه پادشاهی با عنوان مجد و عظمت دیرینه در دنیای امروز به خواب و خیال می ماند. باید برای برپایی یک جمهوری دموکراتیک لایک کوشش کرد که نه تنها خواستار نفی هویت ملی و تاریخ و فرهنگ ایران نیست بلکه پشتیبان اعتلای فرهنگ و ملت ایران است. جبهه جمهوری 2

خواستار جمهوری قبیله ای نیست و سر سازگاری با سنت های پوسیده ی قبیله ای یا سنت های ارتجاعی مذهبی و سلطنتی را ندارد.

به جای الهام گرفتن از گذشتهای خیالی، به آینده ای نگاه کنید که می توانید بسازید.

حسن بهگر

برگرفته از سایت ایران لیبرال

دوشنبه ۶ آبان ۱۳۹۸

October 28 2019